



فیسل در مقابل تحریف تاریخ و تطهیر پهلوی

فیلم «فیسل» سال گذشته توانست با رکوردشکنی نقش مهمی در رونق اقتصاد سینمای ایران ایفا کند و بارها از نظر نجات اقتصاد سینمای کشور و همچنین ارتقای سینمای کمدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت اما به این فیلم می توان از منظر دیگری نیز نگاه کرد. فیلم سیدابراهیم عامریان از جهت سیاسی هم کارکرد مثبتی داشت. در سال های اخیر و با سوءاستفاده از بی اطلاعی نسل جوان و همچنین برخی سوءمدیریت ها، سلطنت طلبان در صدد تطهیر دوران پهلوی و ارائه تصویری جذاب از دوران شاه برای نسل جدید برآمده اند. فیلم ها و سریال های سال های گذشته درباره دوره پهلوی هم به دلیل فضای شعاری و تلخ و همچنین ضعف ساختار، نتیجه عکس داده بودند. در این فضا، فیسل توانست با زبان طنز وارتباط برقرار کردن با مخاطب میلیونی، خفکان وتوحش ساواک شاه علیه هنرمندان منتقد را با بارزی درخشان بایک کریمی و با نمادسازی از پرویز ثانی، عنصر امنیتی سازمان سیا در رژیم شاه به تصویر بکشد. همان مقام ارشد امنیتی که حتی چهره هایی مانند داریوش اقبالی و بهروز وثوقی هم که با جمهوری اسلامی زاویه دارند، درباره برخورد هایش با هنرمندان افشاگری کرده اند و صابون او به تن مرحوم داریوش مهرجویی به دلیل ساخت فیلم دایره مینا و مسعود کیمیایی برای فیلم گوزنها خورده بود.



فیسل همچنین توانست فقر و اختلاف طبقاتی دوره پهلوی و نیز فساد موجود در جامعه وسینمای فارسی آن زمان را که به نماد ترقی و آزادی تبدیل شده بود به دور از شعارزدگی و پس زدن مخاطب نشان دهد. مدرنیته زمان پهلوی که در کافه، کاباره، سینما و چند خیابان اصلی تهران خلاصه می شد اما در زندگی واقعی، مردم ایران از فقر مطلق، بیسودی، بیماری و نبود امکانات رنج می بردند. موضوعی که شاپور بهتیار آخرین نخست وزیر دوران پهلوی واز رهبران جبهه ملی هم بعدها در مصاحبه تاریخ شفاهی ایران به آن اشاره کرد وتمام ادعاها درباره پیشرفت کشور را باطلیل دانسته بود. آنچه فیسل توانست آگاهانه انجام دهد، گرفتن خنده از مردم و کشاندن آنها به سالن سینما همزمان با نشان دادن فضای بسته سیاسی وهنری دوره پهلوی برپرده سینما بود. کاری که فیلمسازان بخش دولتی سال ها باصرف بودجه های سنگین در پشت نام های دهان پرکنی چون سینمای فاخر، نتوانستند انجام دهند اما یک فیلمساز بخش خصوصی یا بودجه ای معمولی توانست ومیلیون ها مخاطب را هم به سالن های سینما و نمایش آنلاین کشاند. فیلمسازان دولتی که حتی نتوانسته اند از سندنزد موجود در قلب تهران که همان موزه عبرت یا زندان کمیته مشترک ساواک تحت مدیریت پرویز ثانی که مرکز وحبشیانه ترین شکنجه های جهان علیه مخالفان پهلوی بود در آثار خود بهره ببرند و آینه ای از آنچه سلطنت طلبان از آزادی دوران پهلوی می گویند در پیش چشم مخاطبان قرار دهند. زبان طنز فیسل می تواند به الگویی برای ساخت آثار نمایشی درباره تاریخ معاصر به ویژه عصر پهلوی تبدیل شود تا در برابر تطهیر پهلوی در برخی شبکه های ماهواره ای و فضای مجازی، تاثیرگذاری بیشتری داشته باشد و این گونه فیلمسازی عامه پسند اما هدفمند جایگزین آثار سیاسی و تاریخی شعاری، ضعیف ومنقشی شده رایج در سینما و تلویزیون ده ۹۰ و ۷۰ شود. به شرط آن که در نگارش فیلمنامه وتولید از مشاوران آگاه وباسود در حوزه تاریخ وسیاست با نگاه هنری وسرگرمی سازی وضد کلیشه وشعار بهره برده شود و کارگردانان وتهیه کنندگان هم واجد همین خصایص باشند نه آن که فقط دنبال گرفتن بودجه وسود در تولید به جای مخاطب انبوه باشند!

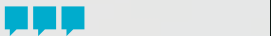
عملکرد سینمای کودک در نوروز امسال، بار دیگر نشان داد که اصرار بر حضور فیلم های کودک و نوجوان در اکران عید، فرصت نمایش فیلم های خوبی همچون «نوروز» را در دیگر فصول سال می سوزاند. آن هم وقتی که انیمیشن ها و فیلم های پرروش همچون شهرگربه ها، بچه زرننگ، پسر دلفینی، لوتوپیا و... در نیمه دوم سال اکران شده اند. اختلاف فروش فیلم های ایلیا جست وجوی قهرمان و نوروز با تمساح

اکران نوروزی «نوروز» را سوزاند

نگاهی به فیلم «قوی دل» ساخته علی فراهانی صدر

الگویی برای ارتقای مستند خلاق

موضوع مستندسازی درباره اتفاقات و پرونده های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قلمبایی و غیره، طی سال های اخیر موضوع بحث بسیاری از صاحب نظران این عرصه بوده است. در این بین، آنچه بیش از هر نکته ای با اجماع همگانی همراه بوده، تلاش برای ارتقای مستند سازی خلاق به منظور تاثیرگذاری و جذب مخاطبان بیشتر بوده است.



موج مستندسازی خلاق

در شرایطی که بسیاری از مستندهای تولیدشده درباره رویدادهای مهم یا مستندهای پرتره، صرفاً آمیزه ای از نمایش چند سند آرشیوی و گفت وگو با شخصیت ها بوده، رویکرد جدید مستندسازان جوان به خلاقیت در انتخاب فرم متناسب با مضمون، موج جدیدی از مستندسازی خلاقانه به راه انداخته که نشانه های روشن و دقیق آن، در دوره های اخیر برگزاری جشنواره فیلم مستند سینما حقیقت به وضوح دیده می شد. حالا دیگر با رشد و اعتلای تکنیک های بصری در سینمای ایران، فعالان عرصه مستندسازی هم از آن بی بهره نمانده اند.

مستند خلاقانه توانسته علاوه بر جدی گرفتن موضوع مهم پژوهش، تکیه بیشتری هم بر ابزار و شیوه های فنی مستندسازی داشته باشد و از این رهگذر، علاقه مندان سینمای مستند این روزها شاهد تولید و نمایش مستندهایی هستند که نشان می دهد پدیدآورندگان آنها با آن که از بودجه های دولتی هم بی بهره نبوده اند، آشکارا رویکرد جذب مخاطب بیشتر را در دستور کار خود قرار داده اند. آنان و به ویژه تهیه کنندگان آگاه و آشنا با مقوله مستندسازی که به تازگی وارد این عرصه شده اند، به خوبی دریافته اند که سطح توقع مخاطبان سینمای مستند از تماشای چند مصاحبه قطعیت شده و تعدادی فیلم و عکس مستند واقعی و بازسازی شده، فراتر رفته و باید آنان را با استفاده از ابزارهای روزآمد سینمانه مرعوب، بلکه متقاعدکرد. مخاطبان سینمای مستند خلاق، حالا همان قدر که برای پژوهش های دقیق و کامل، ارزش و اهمیت قائل می شوند و سطح کیفی آنها را هم تشخیص می دهند، روی فرم بصری مستند و شیوه روایی آن نیز حساسیت نشان می دهند.

به همین دلیل مستندهایی مانند «فرار از قصر» و «قوی دل» به عنوان جدیدترین مستندهای حرفه ای به نمایش درآمده در سینماها با استقبال خوب مخاطبان روبه رو می شود و نشان می دهد که نقطه عطفی در سینمای مستند ایران شکل گرفته و هم اکنون زمان بهره گیری از ارتقای سطح سلیقه مخاطبان این سینما که حاضرند برای تماشای مستند مورد علاقه شان بلیت بخرند و به سینما بروند، فرارسیده است.

اگرچه تا رسیدن به زمانی که مستندهای بلند حرفه ای در سینماهای بیشتر و با مخاطبان افزون تری به نمایش درآیند، راه طولانی در پیش داریم اما به نظر می رسد زیرساخت ها برای رویکرد جدی تر به مستند خلاقانه فراهم است و حمایت از فعالان این عرصه می تواند سینمای مستند را از مسیر

رکوردشکنی «مست عشق» در گام اول

درجای چهارشنبه و پنجشنبه گذشته حدود ۲۷۰ هزار نفر از هموطنان برای دیدن فیلم بلیت تهیه کردند و در این دور روز نسبت به مدت مشابه هفته قبل شاهد افزایش ۷۰ درصدی استقبال از فیلم ها در سراسر کشور بوده ایم. روند روبه رشد مخاطبان سینما در مدت مورد نظر به دلیل ورود فیلم «مست عشق» محصول مشترک ایران ترکیه است که طبق روال معمول روزهای نخست اکران عده بیشتری از علاقه مندان را به سالن های سینما کشانده است. آماری که در جدول روبه رو که تسنیم آن را منتشر کرده، دیده می شود. تفاوت معنادار و قابل توجه جلب نظر مخاطبان نخستین روز اکران مست عشق و تمساح خونی که ۲/۷ برابر است، می تواند نشان دهنده توجه مخاطبان هنر هفتم کشور به سایر ژانرهای سینمایی باشد.

سلس اکران ■ مخاطب روز نخست ■

خونی ما را به عدد ۰/۱ و ۰/۲ می رساند. در صورتی که این دو فیلم در شرایطی اکران شدند که امسال، اولین اکران پساکرونایی در عید نوروز با دو فیلم سینمای کودک رقم خورده وانتظار می رفت عدد فروش، حداقل اختلاف زیادی با فیلم های سینمای کودک در سال های ۹۷ و ۹۸ داشته باشد. اما این اتفاق نیفتاد و نوروز با ۵۳ هزار مخاطب تنها به فروش سه میلیارد تومانی رسید، میزان فروشی که در سال ۹۸ برای



کوتاه تر به اهداف اصلی اش برساند.

حضور جذاب و تاثیر گذار راوی

این مقدمه طولانی را نوشتم تا توضیح بدهم چرا قوی دل می تواند یک اثر نمونه از سینمای مستند خلاق ایران باشد. چرا باید سعی کنیم وجوه مختلف آن را بررسی وتماشای آن را به علاقه مندان سینمای مستند توصیه کنیم. علی فراهانی صدر، اولین گام را در پرداختن به موضوع ورود فرآورده های خونی آلوده و ویروس زدایی نشده به چرخه توزیع وزارت بهداشت در دهه ۷۰ به درستی برداشته است. شخصیت یا بهتر بگویم قهرمان این پرونده تلخ و غم انگیز در نظام بهداشت ایران، خوشبختانه در قید حیات است و در واقع کسی که بیشترین و دقیق ترین اسناد و مدارک مربوط به این رویداد مهم را در اختیار داشته و دارد.

در متن مستند دیده می شود و در بازسازی آنچه که رخ داده، نقش اول و اصلی را ایفا می کند. اتفاقا شخصیت کاریزماتیک و جذابی هم دارد و نقش خودش را به خوبی زندگی می کند. شخصیت اصلی مستند یا همان احمد قوی دل، هم در تصاویر مستندی که از دادگاه مسئولان سازمان انتقال خون و وزارت بهداشت وقت موجود بوده دیده می شود و هم در تصاویر بازسازی شده در مکان های مختلف.

تقریباً همه اطلاعاتی که مستند قوی دل در اختیار مخاطبانش قرار می دهد، از زبان او روایت می شود و اسناد و مدارک موجود را هم خود او به دوربین نشان می دهد ولی حتی در جایی که او رو به مصاحبه کننده در جایی شبیه بایگانی اسناد قدیمی اداره ثبت مشغول ارائه اطلاعات و نشان دادن مدارک است، تماشاگر اثر، حسی از گفت وگویی متداول در مستندهای مشابه دریافت نمی کند و همچنان قوی دل به عنوان شخصیت اصلی یا قهرمان یک اثر داستانی در لوکیشنی جذاب، متفاوت و مونر که نمره همکاری دقیق و سازنده

برش

بیان تصویری در مستند خلاقانه

ارتقای وجوه فنی سینمای داستانی ایران، تاثیرش را بر سینمای مستند هم بر جای گذاشته است و در مستند قوی دل هم نمی توان نقش طراحی صحنه وفیلمداری را در موفقیت فیلمساز در رسیدن به نوعی از مستند خلاقانه که سینما و بیان تصویری در آن حرف اول را می زند، نادیده گرفت. اگر قوی دل به سبک مستندهای متداول فقط با تکیه بر نمایش اسناد و تصاویر و فیلم ها و مستند و گفت وگو با شخصیت های اصلی و دیگران ساخته می شد، بدون تردید با مستند دیگری مواجه می شدیم که هیچ تضمینی برای تاثیرگذاری آن حتی در حد مستندی خبری وجود نداشت.

پیشونی سفید ۳، یک میلیارد و ۱۳۱ میلیون تومان بود و اگر با بلیت ۸۰ هزار تومانی امسال محاسبه کنیم، قطع به یقین پیشونی سفید ۳ در سال ۹۸ وضعیت بهتری را در فروش و میزان مخاطب تجربه کرده است. نوروز سال گذشته هم تنها فیلم بچه های طوفان در زائر کودک اکران شد که در نهایت ۷۰۰ با مخاطب، ۲۹ میلیون تومان فروخت. شکست بزرگی که این فیلم برای گیشه نوروزی ۱۴۰۲ رقم زد. // ایرنا

کارکردهای فانتزی

اوج این روایت های خلاقانه و مؤثر در جایی است که احمد قوی دل امروز، در کنار همسرش پای سفره عقد از چگونگی ازدواجش و اتفاقات تلخ و شیرین آن سخن می گوید و باز هم فضاسازی بر مبنای تصاویری که آمیزه ای از فانتزی و واقعیت است، شکل می گیرد و حتی تا جایی پیش می رود که تکرار شکستن شیشه ها و شادمانی شبانه خانواده، به اوج فانتزی که نشان دادن انفجار ناشی از بیان واقعیت ها توسط احمد قوی دل است ختم می شود و همین لحظاتی که کمدی سیاه و مؤثری را به وجود آورده است، زمینه را برای ورود شخصیت اصلی به ماجراجی که بیان واقعیت های موجود در آن گاهی درحد بمب خبری ناشی از نقش آفرینی رسانه ها عمل می کند، فراهم می آورد.

زمانی که قوی دل پاسخ استعلام مراجع قضایی را با ترفندی از روی میز قاضی برمی دارد، کبی می گیرد و دوباره سر جایش می گذارد یا در جای دیگر سعی می کند نامه مهروموم شده دفتر رئیس قوه قضاییه را باز کند، برای مخاطب سوال برانگیز نمی شود چرا که آنچه از گذشته بازسازی شده احمد قوی دل با ساختاری که همیشه با درجاتی از طنز و فانتزی همراه بوده است می بینیم، همواره این احتمال را در دل خود داشته است که او در موقعیت های دشوار تصمیم گیری، سخت ترین راه ها را انتخاب کند؛ راه هایی که حتی گاهی اوقات ممکن است شباهت سرقت و دستکاری نامه ها را هم به وجود بیاورد اما باز هم در نگاهی کلی، تلخی و اهمیت پرونده های که احمد قوی دل به آن ورود کرده آن قدر هست که انگار تماشاگر در جاهایی به او حق می دهد که برای احقاق حقوق آدم هایی که انگار هیچ اراده ای برای شنیده شدن فریادهای شان در دادگاه وجود ندارد، حتی نامه محرماته ای را منتشر کند.

رسانه مؤثر

در اینجا قوی دل می تواند علاوه بر نشان دادن تلاش های مردی که به عنوان نماینده آسیب دیدگان از یک سهل انگاری در بالاترین سطوح بهداشتی و پزشکی کشور، دل به دریای می زند و تا صدور حکم نهایی پرونده پیش می رود، به موضوع اهمیت رسانه در به سرانجام رسیدن پرونده هایی از این دست هم بپردازد و بدون پرداخت تعاری و آمیخته با ملاحظه کاری، واقعیت موجود را نشان بدهد.

استفاده بجا و منطقی از تصاویر واقعی دادگاه و تلفیق آن با صحنه های بازسازی شده حضور در دادسرا، دفتر روزنامه و روایت تصویری همه آنچه احمد قوی دل روایت می کند، یکی از مهم ترین وجوه خلاقانه مستند قوی دل است. تاکید فیلمساز بر علاقه احمد قوی دل به تصویر ثابت و متحرک که در عکاسی و نمایش فیلم متجلی شده است، در ساختار بصری روایت مستند در سراسر اثر هم دیده می شود و مفهوم پیدا می کند. حتی در پایان مستند هم قوی دل و نوه هایش در کنار همان دوربین جعبه ای و چوبی که در آغاز مستند وجود دارد، دیده می شوند و سعی می کنند با چهره های خندان از درون آن به دنیای پیرامون شان بنگرند.

قوی دل وامیدوار

احمد قوی دل شاید به یکی از تلخ ترین و پرچالش ترین پرونده های قضایی چند دهه اخیر ایران ورود کرده باشد اما ساختار کلی مستند قوی دل به گونه ای طراحی شده که هیچگاه ناامیدی در شخصیت اصلی دیده نمی شود که بدون تردید حضور چشمگیر خود قوی دل در متن مستند در تحقق هدف فیلمساز بی تاثیر نبوده است.

زمانی که احمد قوی دل هنگام ورود به ساختمان قوه قضاییه رو به دوربین و به شوخی می گوید که دیگر اجازه ورود به اینجا را ندارید، ضمن ایجاد نوعی فاصله گذاری هوشمندانه از سوی فیلمساز با استمرار طنز تلخی که به ویژه در نیمه اول اثر به کار گرفته شده است، تداوم امید در شخصیت اصلی مستند برای رسیدن به هدف نهایی هم به دور از نگاهی شعاری و توخالی به تصویر کشیده می شود.

نشت

از کمدی تا آخر الزمان در پاتوق فیلم کوتاه

در هفتمین جلسه از فصل نهم پاتوق فیلم کوتاه، فردا چهار فیلم کوتاه در ژانرهای کمدی، درام و آخراژمانی روی پرده سینما بهمن می رود و نقد و بررسی می شود. در این جلسه از فصل نهم پاتوق که توسط انجمن سینمای جوانان ایران برگزار می شود، چند فیلم کوتاه داستانی روی پرده خواهد

رفت. محمد علیراده، نویسنده و منتقد سینما، به عنوان کارشناس این جلسه، پس از اکران آثار با کارگردان های فیلم های کوتاه به نمایش درآمده به گفت وگو می نشیند و آثار را تحلیل و بررسی می کند. همچنین محمد محمدی، به عنوان مجری کارشناس برنامه حضور خواهد داشت. شیوع در ژانر آخراژمانی، به نویسندگی و کارگردانی میثم مرادی ساخته شده است. زخم فیلمی است در ژانر درام به نویسندگی و کارگردانی سحر نورمنور و گراژها را غلامرضا جعفری، نویسندگی و کارگردانی کرده و در ژانر درام ساخته شده است. قضاوت اثری کمدی است به نویسندگی، کارگردانی و تهیه کنندگی آریا گازر. این فیلم کوتاه داستان مانی و سورا است که هنرجویان یک هنرستان هستند. این نشست فردا ساعت ۱۵ برگزار می شود و محدودیتی برای حضور دوستداران سینما در آن وجود ندارد. // جام جم

یاد

فیلمساز برجسته فرانسوی درگذشت

لوران کاتنه، فیلمساز فرانسوی که با فیلم «کلاس» در سال ۲۰۰۸ برنده نخل طلای کن شد، در ۶۳ سالگی درگذشت. این فیلمساز تحسین شده قصد داشت فیلم بعدی خود را به نام «انزو» با نویسندگی مشترک رابین کامپیلو در اواخر امسال

فیلمبرداری کند. ایزابل دلا پالما، نماینده کاتنه به رسانه های فرانسوی اعلام کرد که این فیلمساز در پاریس و بر اثر بیماری درگذشت. کلاس فیلمی مستند- درام براساس کتابی نیمه خود زندگینامه از فرانسوا باگودو است که داستان آن درباره عملی در محله ای در پاریس است و در آن بازیگرانی عمدتاً غیرحرفه ای بازی کرده اند. آخرین فیلم این کارگردان «آرتور رمبو» بود، درباره نویسنده ای که به خاطر محتوای رسانه های اجتماعی تحریک آمیزش به دردر سر می افتد. این فیلم در جشنواره روتنوتو ۲۰۲۱ نمایش داده شد. او همچنین فیلم «فاکس فایر: اعترافات یک دختر تبهکار» که در نورتنو ۲۰۱۲ رونمایی شد و فیلم «بارگشت به ایتاکا» که در سال ۲۰۱۴ در جشنواره ونیز انتخاب شد. مرگ لوران کاتنه شوک بزرگی برای صنعت فیلم فرانسه است. // ایسنا